

(مسجد جامع تبریز و شرح کتیبه‌های آن)

مسجد جامع تبریز از آثار بسیار قدیم و ظاهراً از بناهای قرون اولیه اسلامی است. ساختمان بنا و طرز معماری آن حاکی از قدمت آن میباشد. تاریخ بنا و اسم بانی این مسجد صحیحاً معلوم نیست. سید محمد رضا طباطبائی تبریزی در تاریخ خود موسوم بتاریخ اولاد الاطهار که تاریخ بعضی از مساجد تبریز را نیز مختصراً شرح داده تاریخ بنای مسجد جامع را چنین نگاشته «مسجدی که در اول اسلام ساخته‌اند و حالا به مسجد جامع مشهور است آنرا (عبدالله بن عامر) ساخته است» مؤلف محترم این روایت را از کجا نقل کرده و استناد وی بکدام تاریخ است تصریح نکرده است ولی در قدمت این مسجد شبهه و تردیدی نیست زیرا که طرز بنا و بلندی طاقها و کلفتی دیوارها و پایه‌های آن قدمت بنا را حکایت میکند. مرحوم نادر میرزا مؤلف تاریخ تبریز نیز در حق این مسجد و استحکام بنا و شکل ساختمان آن چنین مینویسد: «مسجد جامع تبریز که اکنون در آن نماز خوانند در پشت بازار بمیان مدرسه طالبیه است و این مسجد را بانی نخست مجهول است پس از آنکه از زلزله ویران شد امیر نامدار حسین قلیخان دنبلی عمارت کرد بر همان بنیان قدیم. و آن مسجدی است مرتفع و طولانی و عریض با گچ و آجر بنا شده طاقها و سقف آنرا هیچ قرینه نباشد از دو سوی غرفه‌ها بدین نزدیکی عمارت شده که پوشیده رویان نشینند و بدین جامع از رخام و کاشی هیچ نباشد گویند بنای این معبد را عثمانیان نهاده‌اند انتهى.

در کتاب مرزبان نامه نیز راجع بجامع تبریز اشارتی هست که ذکر آن در این مقاله خالی از فایده نیست علامه فقید میرزا محمدخان قزوینی در مقدمه کتاب مرزبان نامه چاپ لیدن مینویسد سعدالدین الوراوینی کتاب مرزبان نامه را که از اصل زبان طبری بزبان فارسی متعارف در آورد آن را بنام خواجه ابوالقاسم ربیب‌الدین هرون بن علی وزیر اتابک ازبک بن محمد بن ایلی‌گزار اتابکان آذربایجان که از سنه ۶۰۷ الی ۶۲۲ در آذربایجان و آران سلطنت کرده است موشح نمود ربیب‌الدین وزیر بود فاضل و

هنرپرور و علم دوست در تبریز کتابخانه باشکوه مهمی برای جامع تبریز تاسیس کرده بود و در آن کتابخانه از اصناف علوم و فنون در طب و تفسیر و احادیث و کلام و تاریخ و ادبیات و اسما و حکایات و غیره جمع کرده بود و همین کتاب مرزبان نامه را نیز بر آن کتابخانه بیفزود همچنین در آخر کتاب صفحه ۲۹۷ سعدالدین در تجلیل مقام و تعریف احوال ربیب الدین وزیر و تاسیس کتابخانه تبریز چنین نوشته است

(جوامع اندیشه مبارکش بر جامع تبریز مقصور آمد تادار الکتبی درو وضع فرمود) کوعاء ملئی لطفاً و ظرف حشی ظرفاً) بنا بر روایت فوق بظن قریب به یقین میشود گفت که مقصود مؤلف از جامع تبریز همین مسجد جامع است که در آن اوان یعنی در سنوات ۶۰۷ الی ۶۲۲ در عهد و زمان اتابک ازبک بن محمد بن ایلدگز مسجدی بسیار معمور و باشکوهی بوده و کتابخانه عالی نیز داشته است همچنین این قول ضعیف که میگویند مسجد جامع را عثمانیها ساخته اند ازین میروود زیرا که در این صورت قریب صد سال قبل از تاسیس و تشکیل دولت عثمانی این مسجد بسیار معمور و دایر بوده است طول این مسجد از دم پنجره تا دم محراب ۶۲ متر است و عرض قسمت وسطی که بالای آن طاق بسیار بلند و بزرگی ساخته شده ۱۵ متر است پایه های این طاق بسیار قوی و قطور است آجرهای آن فوق العاده بزرگ و کلفت است و پنج و شش برابر آجرهای کنونی است این مسجد توی مدرسه طالبیه واقع شده و از قراریکه مورخین نوشته اند چندین دفعه از زلزله خراب و مجدداً تعمیر شده است و در نزدیکی و اتصال این مسجد يك مسجد شبستانی نیز هست که پنجره های آن مشرف بهمین مسجد جامع است و آنرا (آلچاق مسجد) میگویند یعنی مسجد پست ولی بسیار مخروبه است احتیاج به تعمیر زیادی دارد. در این مسجد و مدرسه طالبیه سه قطعه کتیبه بزرگ از سنک مرمر موجود است که هر سه کتیبه صورت فرمانی است از طرف پادشاه عصر و زمامدار مملکت که در سنک مرمر مخصوصی حکاکی و ثبت شده و در قسمت های مختلف بدیوار نصب شده است. سنک اولی که قدیمترین آن کتیبه ها است در زمان شاه طهماسب اول صفوی حکاکی شده و مشتمل است بر رؤیای

شاه طهماسب اول و الغای رسومات تمغا . این سنک که طول آن یک متر و هفتاد دو سانتیم و عرض آن یک متر و دوازده سانتیم میباشد از سنک رخام بسیار صاف و زیبا کنده کاری شده و در درون مسجد جامع در قسمت شاه نشین رو بشمال بدیوار نصب گردیده است و کاتب آن علاء الدین محمد تبریزی است (۱) در دوازده سطر درشوال سال نهصد و هفتاد دو هجری قمری بخط ثلث بسیار عالی نگاشته شده است : نادر میرزا این کتیبه را خوانده و در تاریخ خود نگاشته است ؛ لیکن متأسفانه آنچه در تاریخ تبریز ثبت شده ناقص و سطوری چند از آخر کتیبه را ننوشته و از سقط و غلط نیز خالی نیست و مضمون این کتیبه چنانچه در بالا ذکر شد رؤیای شاه طهماسب اول صفوی است که تمغای رسومات دیوانی را لغو کرده است .

مضمون کتیبه اول مسجد جامع

فرمان قضا جریان شاه ستاره سپاه خاک آستانه خیر البشر مروج مذهب ائمه
 اثنی عشر غلام امیر المومنین حیدر علی بن ایطالب السلطان بن السلطان ابوالمظفر شاه
 طهماسب بهادر خان خلد الله ملکه و سلطانه شرف نفاذ یافت آنکه بنا بر رؤیای صالحه
 که در شب پنجشنبه دوازدهم شهر شعبان اودئیل اثنی و سبعین و سبعمائه حضرت حجة
 قائم صاحب الامر والزمان صلوات الرحمن علیه را در واقعه دیدم قامت اشرف آن
 حضرت بلند و روی کشیده و محاسن شریفیک قبضه و موی محاسن و شارب خرمائی
 و چشم و ابروی آنحضرت سیاه و وضعفی در بشره مقدس آنحضرت ظاهر بود چنانچه
 ریاضت کشیده و تاج سقر لاط قرمزی بی دستار بر سر اشرف داشتند و جامه قلمی
 آجیده که ظاهراً رنگ آن نخودی بود و بالا پوش قلمی آجیده که غالباً سفید بود
 و چاقشور تیماج زرد در پای مبارک داشتند و هیچ کس آنحضرت را نمی دید و آواز
 مبارک آنحضرت با اینکه بلند سخن میفرمودند غیر من کسی نمی شنید و بعد از ظهر
 آنحضرت فی الحال من فریاد کردم و کسی نشنید و آنحضرت بعد از بیرون آمدن در
 ایوان طاق هندی که تخمیناً طول آن ده زرع بوده باشد و روی آن ایوان بقبله

(۱) علاء الدین محمد تبریزی از استادان بزرگ خط ثلث و تلمیذ ملا شمس الدین

بود بوجهی که پشت مبارك آنحضرت بجانب میان مغرب و قبله بود منحرف نشستند و کف پایها را نزدیک یکدیگر روبرو بوجهی که کف بکف نرسیده بودند نهادند پس رفتم و پای راست آنحضرت را میان بند پای مبارك وی و بند چاقشور بوسیدم بعد از آن آنحضرت برخواستند و فرمودند که این تمغاها را که بخشیده‌ای بسیار خوب کردی و اظهار خوشنودی فرمودند و فرمودند که تتمه را هم ببخش و فرمودند که ما از تو راضی ایم یا از تو راضی میشویم و بیادماند که از این دو عبارت کدام فرمودند بعد از آن فرمودند که روز بروز عمرت زیاد میشود و دولتت زیاد میگردد من عرض کردم که چون این امر مقبول شما است تتمه تمغاها را هم بخشیدم بعد از آن آنحضرت غائب شدند بوجهی که من ندانستم که چون غائب شدند لاجرم در روز پنجشنبه مذکور حسب الامر آنحضرت صلوات الله علیه تتمه تمغاه و آت جمیع ممالک محروسه را در آذربایجان و عراق و فارس و خراسان و شیروان و گیلان خصوصاً تمغای دارالضرب طلا و نقره که غایت بخشیده نشده بود مؤکد بلعنت نامه بخشیدم و نواب آنرا بحضرات چهارده معصوم صلوات الله وسلامه علیهم اجمعین هدیه کردم و نواب این اهداء را بحضرت صاحب الامر صلوات الله علیه هدیه کردم بنابراین باید که ابواب جمع دارالسلطنه تبریز و شوارع ارضروم و عراق را که بمبلغ سه هزار و هشتصد و هفتاد پنج تومان هشت صد دینار در آن ملک جمع است از تاریخ واقعه مذکوره مسدود دانسته اصلاً طلبی از هیچ آفریده ننمایند و این بدعت سیئه را در آن ملک بدستور کل ممالک بر طرف دانند مستوفیان عظام دیوان اعلی من بعد از دفاتر سنوات جمع آنرا ننویسند و اسم و رسم آنرا از صحایف دفاتر محو گردانند حاکم و اکابر دارالسلطنه تبریز مضمون حکم اشرف و اعلی را مؤکد بلعنت نامه دانسته یقین دانند که هر کس از مضمون آن تجاوز نموده من بعد بهر صیغه و عنوانی که باشد از آن ابواب چیزی گیرد و هر کس بدان رضا دهد و کسی که بر حقیقت آن مطلع شود معروض ندارد (اینجا کلماتی چند محکوک و لایقراء است) و آنجماعت را بر وجهی سیاست خواهم فرمود که باعث عبرت گیران گردد (فمن بدله بعد ما سمعناه انما ائمه علی الذین یبدلونہ ان الله سمیع علیم) از جوانب بر این جمله روند و از فرموده

عدول نورزند فی عشر ثالث شهر شوال اودئیل اننی وسبعین وتسعمائه کتبه علاءالدین کتیبه دوم از سنک مرمر که بزرگترین آن سه کتیبه است در بالای درشمالی مسجد جامع رو بطرف شمال بدیوار نصب شده است مشتمل بر فرمانی است از شاه سلطان حسین صفوی و کاتب آن محمد مومن تبریزی است درپانزده سطر بخط نث بسیار عالی و زیبا در شوال سال هزار و یکصد و شش هجری قمری حکاکی شده طول این سنک در حدود یک متر نیم و عرض آن یک متر و چهل سانتیم است در این فرمان از طرف شاه سلطان حسین صفوی به رستم خان سالار سپه و بیگلربیگی آذربایجان امر اکید صادر شده که قمارخانه‌ها و فاحشه خانه‌ها و چرس فروشی‌ها را به بندند و عایداتی که از این ممر بدولت میشد لغو و موقوف دارند و هر کس مرتکب این اعمال بشود حد شرعی در حق آنان جاری گردد و اهالی و اوباش را از کبوتر پرانی و گرك دوانی و قوچ بازی و گاو بازی که باعث خصومت و فساد است منع کرده و مرتکب را مجازات نمایند مضمون این کتیبه درموقع تعمیرکاری مدرسه طالبیه و مسجد جامع توسط آقای میرزا محسن ولده محمدعلی ادیب العلماء که سنک را از محل اصلی برداشته و پائین آورده بودند خوانده شده و بدست نگارنده رسید که در اینجا نقل میشود .

مضمون کتیبه دوم مسجد جامع

بسم الله الرحمن الرحيم حکم جهانمطاع شاه ملایک سپاه السلطان بن السلطان ابوالمظفر شاه سلطان حسین الحسينی الموسوی الصفوی بهادر خان خلدالله ملکه و سلطانه شرف نفاذ یافت آنکه عالیجاه سالار سپه تفنگچی آقاسی و توپچی باشی و بیگلربیگی آذربایجان به شفقات بلا نهایت شاهانه مفتخر و مباهی بوده اند که چون از هنگامی که مهره انجم بر تخته زرنگار فلك آبگون سیماب نمون بدست قضا چیده و کعبتین عاج مزین جهت تحصیل نقد سیادت کونین بنقش شش جهت گردیده و گنجور گنجینه وجود بمؤدای حقانیت اقتضای (قل اللهم مالک الملك تؤتی الملك من تشاء وتنزع الملك ممن تشاء و تعز من تشاء و تذل من تشاء بيدك الخیر انک علی کل شی قدیر) درهم و دینار تمام عیار دولت اعتبار و زررده دهی کذا پادشاهی و فرماندهی عرصه روزگار جهت

این دودمان خلافت و امانت و خاندان نبوت و ولایت در مخزن درستی با کمال تردستی محفوظ و مضبوط داشته جهت ستایش این نعمت بقیاس و ادای شکر این عارفه محکم اساس در این عهد سعادت مهد که عذرای دولت روز افزون در آغوش و لیلای سلطنت ابد مقرون دوش بدوش و اولین سال میمنت مانوس و اوان شکفتگی گلشن آمال عامه نفوس است همت صافی طویت معدلات گستر و ضمیر منیر مهر اصابت شریعت پرور بحکم آیه وافی هدایه (الذین ان مکناهم فی الارض و اقاموا الصلوة و اتوا الزکوة و امروا بالمعروف و نهوا عن المنکر) با اجرای اوامر و نواهی خالق کل و خاتم انبیا و رسل بفحوای صدق انتماء (اطیعوا الله و اطیعوا الرسول لعلکم تفلحون) معطوف و مصروف داشته امر عالم مطاع شرف نفاذ یافت که بمضمون بلاغت مشحون (قل انما حرم ربی الفواحش ما ظهر منها و ما بطن) پرده گیان سترگشا پرده نشین و شاهدان چهره نما خلوت گزین بوده با نامل عصیان نقاب بی شرمی از رخسار عفت باز نموده دامن زن آتش غضب دادار بی نیاز نگردند و ساکنان خطه ایمان و مقیمان دارالسعادة ایقان بمضمون حقیقت نمون (یا ایها الذین آمنوا انما الخمر و المیسر و الانصاب و الا زلام رحیس من عمل الشیطان فاجتنبوه لعلکم تفلحون) بالت قمار دست دراز نکرده قبل از آنکه شطرنجی زور آور روزگار ایشانرا مات مات و فیل بند حیرت هیجان و هنگامه عرصات ساخته معلوم شود که آنچه برده اند باخته اند سالک طریق اجتناب بوده بهیچوجه پیرامون آن عمل شنیع نگردند و کل وجوه بیت اللطف و قمار و چرس فروشی و بوزه فروشی ممالک محروسه را که هر سال مبلغهای خطیری می شد بتخفیف تصدق فرق فرق قدسای اشرف مقرر فرمودیم و در این ابواب صدور عظام و علماء اعلام و فقهاء اسلام و ثیقه انیقه علیجده موکده بلعن ابدی و طعن سمرمدی که مزین و موشح بخط گوهر نثار همایون است بسلك تحریر کشیده اند میباید که آن عالیجاه بعد از شرف اطلاع بر مضمون امر مطاع لازال نافذاً فی الاقطاع و الارباع مقرر دارد که در کل مجال تیول همه سائله آن عالیجاه و امراء و حکام تابعین و ساکنین و متوطنین بقانون از هر شریعت غرا و طریق اظهر ملت بیضاء منهج صلاح و سداد بوده مرتکب امور مذکوره نگردند و بدکاران در حضور امناء شرع شریف و کلانتران و

ریش سفیدان محلات بموجب آیه و افسی هدایه (والذین اذا فعلوا فاحشة او ظلموا انفسهم فاستغفروا لذنوبهم) توبه کنند و مرتکبین محرّمات مزبور را تنبیه و تادیب نمایند و التزام باز یافته هر گاه اشتغال بآن افعال ذمیه نمایند بر نهج شرع مطاع حدّجاری و مورد مؤاخذة و باز خواست سازند و چنانچه احدی باعمال شنیعه دیگری مطلع گشته اعلام ننمایند آن شخص را بنوعی تنبیه نمایند که موجب عبرت دیگران گردد و آن عالیجاه و امراء تاین بعلت وجوهات مزبوره چیزی باز یافت ننموده نگذارند که آفریده بدان جهت دیناری طمع و توقع نماید و خلاف کننده از مردودان در گاه الهی و محرومان شفاعت رسالت پناهی و مستحقان لعنت و نفرین ائمه طیبه صلوات الله علیهم اجمعین و ملائکه آسمان و زمین باشد اهالی و اوباش را نیز از کبوتر پرانی و گرك دوانی و نگاهداشتن گاو و قوچ و سایر حیوانات جهت جنک و پرخاش که باعث خصومت و عناد و موجب انواع شورش و فساد است ممنوع ساخته شد آن ابواب از لوازم شمردن دقیقه در استحکام احکام مطاعه و اشاعت اجرای او امر شریفه فرو گذاشت ننمایند امر او حکام تاین انعالیجاه حسب المسطور و مشارالیه هر یک در الکاء متعلق خود بموجبی که مقرر فرمودیم بعمل آورده و از هر جوانب براین جمله روند و رقم قضاشیم معدلت مضمون را بر عموم خلائق خواننده بر سنگی نقش و بر در مساجد جامعه نصب نمایند و در این ابواب قدغن دانسته هر ساله رقم مجدد طلب بدارند و در عهده شناسند تحریراً شهر شوال سنه ۱۱۰۶ ست و ماهه و الف من الهجرة النبویه مضمون رقم معدلت شیم فوق که زلال مایعیست از چشمه سار سلاله خاندان صفوت و کرامت بوساطت عالیجاه رستم خان سالار سپه بمزارع امید کافه عباد الله فائض و بسعی عالیقدر رفیع الشان و منیع المکان محمد نیکا برادر و نایب عالیجاه معظم الیه بر صخره صماترسیم گردید قد تشرف بکتابتها محمد مومن التبریزی

کتابخانه سوم از مرمر بالای در ورودی مدرسه طالبیه که از بازار وارد میشود در زیر طاق نصب شده نقش این سنگ غیر از جمله (بسم الله الرحمن الرحیم) که در صدر لوح باخط ثلث است مابقی تماماً باخط زیبای نستعلیق حک شده و آن فرمانی است از احکام اوایل سلطنت فتحعلی شاه قاجار که در سال ۱۳۱۶ هجری قمری در دوازده

سطر در آن سنک ثبت شده است در این فرمان از طرف دولت بعضی عوارض و مالیات
تجار و اصناف را که از سنگینی آن به سایر بلاد متفرق شده اند لغو و باطل شده و رفاه
حال تجار و اصناف منظور نظر گردیده است تا آنهایی که بسایر بلاد متفرق شده اند
بوطن خود مراجعت نمایند مضمون این کتیبه توسط دانشمند محترم آقای میرزا
جعفر سلطان القرائی بدست نگارنده رسید و از یاد داشت های ذیقیمت ایشان زیاد
استفاده کردم بسیار سپاسگزارم .

(مضمون کتیبه سوم بالای مدرسه طالبیه)

فمن بدله بعدما سمعه فعلیه لعنة الله وملائکته وانبیاءه ورسله والائمة صلوات
الله علیهم اجمعین بسم الله الرحمن الرحیم الحمد لله رب العالمین والصلوة والسلام علی محمد
وآله الذین اسسوا اساس الحق والایمان وخربوا بنیان البدع والطغیان اما بعد غرض
از تحریر این کلمات آنست که چون در عهد سلطنت بندگان اعلی حضرت جمشید شوکت
اسکندر مکانت دارا رتبت خاقان اعظم سلطان مکرم السلطان بن السلطان والخاقان
بن الخاقان السلطان فتحعلی شاه لازال ظلّه ظلیلاً نوبت حکومت و ریاست دار السلطنه
تبریز بعهد عالیجاه رفیع جایگاه جلالت و شوکت دستگاه امیر الامراء العظام عمدة
الخوانین الکرام مقرب الحضرة الخاقانیه خان جلیل الشان بیگلر بیگی کل ممالک
آذربایجان (احمد خان) (۱) لازال مؤیداً بتوفیقات الدارین رسیده و چون طبع شریف
معظم له طالب تحصیل دعای خیر بجهة ذات مقدس اعلی حضرت ظل الله فی الارضین و
آبادی بلاد ورفاه عباد بوده وراضی بشیوع و استمرار بدع نمیباشد و چون در ایام
سلاطین و حکام سابق بجهت آنکه در عوارض و صادرات (۲) مملکتی بسکان محلات
و کوچه و باغات دار السلطنه تبریز بنچه مشخص نموده و داد و ستدمی نموده اند بتجار
تبریز که آبادی بلاد و نظام امور معاش عباد و وفور امتعه و اقمشه و سایر ادویه که
در بلاد بعیده بهم میرسد و در سایر بلاد نیست و سکان این بلاد محتاج بآنها می باشند

(۱) احمد خان مقدم از طائفة خوانین ترک و رئیس ایل مقدم و بیگلر بیگی
مراغه بود در ایام حکومت زندیه یکی از امراء بزرگ آذربایجان شمرده میشد پس از
تسلط قاجاریه باذربایجان او نیز مانند سایر خوانین مطیع و فرمانبردار شد و در سال ۱۲۳۹
هجری قمری در مراغه دار فانی را وداع گفته

(۲) کلمه صادرات در همه جا صادرات نوشته شده

بسبب آمدن شد این طایفه بوده و می باشد و در جمیع امصار و اعصار معزز و محترم بوده و با اسم صادرات و عوارضات از ایشان چیزی مطالبه نمی نمودند بنچه با اسم ایشان معین نموده مطالبه صادرات و عوارضات از ایشان می نمایند و باین جهات سکن محلات و کوچه باغات و تجار تبریز ببلاد عراق عرب و عجم متفرق و هر یک از تجار معتبر شهر در سایر بلاد متوطن و شهر از رونق افتاده و رو بخرابی گذاشته لهذا مقرر فرمودند که در تمامی محلات شهر و کوچه باغات و در مابین تجار غریب و بومی و مسلم و ذمی داد و ستد و صادری بالمره موقوف شده و تجار را داخل اصناف ننموده مطالبه صادرات و عوارضات و مالیات من جمیع الجهات از ایشان ننموده حتی مساعده که بعضی حکام و عمال بعنوان ظلم از ایشان می گرفتند موقوف شده و مقرر فرموده که تمامی سادات کرام سکن شهر و نواحی غنی و فقیر سوای مالیات حسابی از تمامی عوارضات و صادرات و خانه شمار و سر شمار و خانه نزول و سایر تحمیلات من جمیع الجهات معاف و مسلم بود تا اینکه تمامی سکن شهر در مهتاب امن و امان آسوده بدعای دولت بیزوال خاقانی مشغول باشند و من بعد هر کس که از صاحب اختیاران و عاملان و ریش سفیدان شهر الی انقضاء الدهر بخلاف این مرتکب شوند بلعنت خدا و ملائکه مقربین و انبیاء مرسلین خصوصاً خاتم النبیین و الائمه المعصومین صلوات الله علیهم اجمعین گرفتار بوده باشند و کان ذلك فی آخر شهر محرم الحرام سنه ست عشر بعد المائین و الالف من الهجرة

۱۲۱۶

در پائین این سنگ که بالای در مدرسه واقع شده از میان طاق بشکل افقی مانند نطاق نام چهارده معصوم علیهم السلام بطریق زیر بخط نستعلیق درشت زیبا روی قطعاتی از سنگ رخام نقر و حواشی آنها با نقش اسلیمی منقش گردیده است تاریخ این سنگها در حدود هفتاد و هشت سال از تاریخ لوح بالا مناخر است و خوشنویسی بنام میرزا آقا در سال ۱۲۹۴ آنها را کتابت کرده است

بسم الله الرحمن الرحيم اللهم صل على النبي المصطفى محمد والمرضى على والبتول فاطمه والسبطین الحسن والحسین وصل على زين العباد علی والباقر محمد والصادق جعفر والکاظم موسی والرضا علی والتقی محمد والنقی علی والزکی العسکری

الحسن و حجتك القائم المنتظر المظفر المرتضى المهدي الهادي صلوات الله وسلامه عليهم اجمعين در سنه ۱۲۹۴ كتبه الحقيه ميرزا آقا

اخيرا در همين مدرسه طالبيه و مسجد جامع از طرف آقاى حاج محمد باقر كلكته چي از تجار محترم و خير تبريز تعميرات مفصلي بعمل آمده تمام حجرات بالا و پائين طلاب نشين مدرسه كه اغلب مخروبه بود تعمير كاري شده و بشكل زيبا و آبرومندي در آمده است و يك كتابخانه جديد بسيار عالي براي استفاده طلاب بنا شده و مقدار زيادي كتاب در آن كتابخانه جمع آوري شده است و سالوني بسيار شيك و عالي براي مطالعه عموم با تمام وسايل برق وغيره مهيا و آماده شده است .



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی